

وه نوم نیر خدا



## ویژه نامه روز جهانی زبان مادری

۲ اسفند ۱۳۸۵ - ۲۱ فوریه ۲۰۰۷



نشریه اینترنتی لور

[www.loor.ir](http://www.loor.ir)

## فهرست

شماره صفحه	عنوان مطلب
	:: پرویز هداوند
۴	سرمقاله: «زبان مادری» اصیل ترین ملاک و معیار هویت یک ملت است
	:: عباس قنبری عدیوی
۶	زبان مردم بختیاری
	:: علی مردان عسگری عالم در گفتگو با نشریه لور:
۱۰	زبانهای مادری حداقل به عنوان فوق برنامه در آموزش و پرورش گنجانده شوند
	:: اریک جان انونبی / ابراهیم خدائی، احد رستگار فرد
۱۲	سوزسلی لری چن زونه
	:: بهمن کیهان بختیار
۱۷	درس آموزی از آثار بزرگان برای تدوین رسم الخط لری
	:: ساسان والیزاده
۱۹	یاء مجهول
	:: ابراهیم خدائی
۲۱	فارسی شدن طلایه جهانی شدن

## ویژه نامه روز جهانی زبان مادری

۲ اسفند ۱۳۸۵ - ۲۱ فوریه ۲۰۰۷

با اناری از: علی مردان عسگری عالم، عباس  
قنبری عدیوی، پرویز هداوند، اریک جان انونبی، مهدی  
ویس کرمی، ساسان والیزاده، احد رستگار فرد،  
ابراهیم خدائی، بهمن کیهان بختیار  
طرح جلد: ستاره نیکوبخت

## به اهتمام نشریه اینترنتی لور

نقل مطالب این مجموعه با ذکر نام نویسنده و منبع  
نشریه اینترنتی لور (ویژه نامه روز جهانی زبان مادری  
۱۳۸۵) بلامانع است.

تماس: همراه: ۰۹۱۶۶۹۹۱۶۴۷

ایمیل: [loorpm@yahoo.com](mailto:loorpm@yahoo.com)  
[loorinfo@gmail.com](mailto:loorinfo@gmail.com)



یسه قلا کیه برز و دئاری  
ایسکه رمئیایه ژه بیئ سرداری  
کس نیئ قلاکت باوره وه قر  
پاچینه بنتئی وه سنگه مرممر  
بیئ لکی

خش او روزی که مالمون به جَوَل بی  
نوایه بنگه کوگون پا بغل بی  
گل خنده گره لو گپگپون بی  
میینه هر حونه ای کل و متل بی  
رهدار بختیاری

## سرمقاله

## «زبان مادری» اصیل ترین ملاک و معیار هویت یک ملت است

پرویز هداوند

زبان و گویشهای مردم، قومها و ملتها ریشه در تاریخ حیات آنان دارد. «زبان مادری» بیانگر احساسات، عواطف و ناگفتنی های بسیاری است که بنام ترینم و برجسته ترین مترجمان زبانهای دیگر نمی توانند بطور کامل آنها را ترجمه کنند.

بسیار کلمات که در زبانهای دیگر معادل خود را نمی یابند و برای قابل فهم شدن نویسنده باید توضیح کافی برای فهم یک لغت بدهد.

ملتها و قومهای مختلف ویژگی های خاص خود را دارند که نسل به نسل منتقل میشوند، این ویژگی ها مخصوصا توسط زبان و گویش منتقل میشوند.

زبان دربرگیرنده تمام اشکال فرهنگ شفاهی و نوشتاری است. برای شناخت فرهنگ یک قوم یا ملت باید نخست زبان یا گویش آن قوم را مورد بررسی قرار داد.

گاه در بسیار موارد که کلمات خاص حامل رفتار، اداب، و یا سنتی بوده اند که با تغییر و دگرگونی این کلمات، سنن و اداب مورد نظر نیز دچار فراموشی شده اند.

شرط ضرور و اساسی برای هرگونه برنامه ریزی اجتماعی و حتی اقتصادی در هر محیط اعم از یک روستا و با یک کشور، علاوه بر عوامل دیگر شناخت ویژگیهای فرهنگی و قومی همان مناطق است و نابترین کار بررسی زبان و گویش همان مردم است. بدون توجه به ویژگیهای قومی، روحی و روانی مردم، هرگونه برنامه ریزی اگر ناموفق نباشد بازدهی بسیار کمتری خواهد داشت.

نامگذاری پدیده ها و مفاهیم جدید برای قابل درک و هضم بودن باید ارتباط نزدیکی با واژگان مورد استفاده مردم همان منطقه یا کشور داشته باشد. وگرنه تبدیل به واژگان ثقیل و سنگینی میشوند که فاصله ای بعید بین استفاده کنندگان و باقی مردم بوجود می آورند که منجر به ایجاد عوارض ناخوشایندی میشود.

زبان چون ابزار اصلی بیان پدیده ها و وقایع زندگی است فی الواقع همراه حوادث و رویدادهاست و منصفترین شاهد تاریخ یک قوم یا ملت است.

زبان اصیل ترین ملاک و معیار هویت یک ملت است، ادبیات والا و سرشار از مفاهیم و ارزشهای انسانی توسط زبان بیان میشود.

کودکی که تازه متولد میشود اگر در دامان مردم و اقوام دیگری بزرگ شود و زبان دیگری بیاموزد هویت دیگری می یابد. متخصصین امر تعلیم و تربیت آموزش دو زبان، همزمان در سالهای اول را تایید نمی کنند.

کمترا شاعر و نویسنده و هنر مند بزرگی را میشناسیم که اثرش را به زبانی غیر از زبان مادری سروده و یا نوشته باشد.

تنوع زبان در جهان بنا بر تنوع فرهنگهای گونه گونه از فولکلور گرفته تا ادبیات رسمی و آثار مکتوب نظم و نثر و دیگر اشکال هنری بوده است.

گسترده گی، گونه گونه ای، تنوع فرهنگی محصول تنوع زبانی در جهان است. پیشرفت فرهنگ بشری در گرد تنوع و گونه گونه ای و گاه حتی متضاد بودن جلوه های فرهنگی است.

اگر فقط یک زبان و یک نوع ادبیات در دنیا وجود داشت آیا انگیزه ای و زمینه برای سرودن شاهنامه و یا دیگر آثار حماسی برجسته جهان باستان بوجود می آمد؟

زندگی در سرزمینهای مختلف از نظر تنوع آب و هوایی، اقلیمی و جغرافیایی ضرورتها متفاوت از دیگر نقاط برای کار، امرار معاش و زندگی، ایجاد می کرده است.

جنگل نشینان با کسانی که در محیط های سردسیر کوهستانی زندگی می کنند، عشایری که دائم در حال کوچند، مردمانی که در نقاط گرمسیری زندگی میکنند، ضرورتها زندگی شان متفاوت است و این در زبان ایشان منعکس میشود. هر کدام از این جوامع ادبیات، اداب، سنن و فرهنگ خاص خود را دارند.

گویش لری گویش مردمی است که در شرایط سخت کوهستانی با شیوه معیشتی کشاورزی و یا عشایری روزگار گذرانیده اند. ارتباط نزدیک و حیاتی این نوع زندگی با دام، زمین، هوا، طبیعت، کوه و دشت در بیان و گویش لری انعکاس دقیقی دارد.

گوسفند و بز از لحظه تولد هر ۶ ماه و یا یکسال نام خاصی دارند، اشتهای در خانه، صحرا، درون چادر و یا جاهای دیگر نامهای خاص خود را دارد، درخت و جنگل در مراحل مختلف رشد نامهای گونه گونه دارند. نیش زدن گیاهان و درختان زیبایی خود را به نامهای متفاوت داده است. صدای ریزش آب با شدت کم و زیاد و سرعت کم و زیاد..

ارتقاء فرهنگ جوامع بشری در تعامل با فرهنگهای دیگر ممکن می شود. هر چه غنای یک زبان بیشتر باشد بهره بیشتری از دستاوردهای دیگران می برد.

ضعف زبان و فرهنگ و پذیرفتن بی قید و شرط استیلای فرهنگی بیگانه و مرعوب شدن در مقابل دیگران موجب از خود بیگانگی و نهایتاً بی هویتی مردمانی میشود که در حفظ و گسترش زبان مادری خود تلاش نمی کنند. پذیرش دستاوردهای نوین ادبی و هنری پیشرو جهان امروز استفاده بهینه و مثبت از آن منوط به داشتن اعتماد به هويت خویش، اعتماد به نفس و پذیرش آگاهانه آموزه های دیگران است و این جز از طریق غنی بخشیدن و گسترش زبان مادری امکان پذیر نمی نیست.

بدون اتکا به هويت خویش هضم و درونی کردن فرهنگ غیر ممکن است و نه موجب ارتقاء که به عکس عامل بی انگیزگی برای یک زندگی غیرفعال و غیر مسوولانه میشود، به گفته آن مسافر فرنگی که پس از سالها مسافرت چنین بیان کرده است:

«هیچگاه سعی نکنید از متن یک فرهنگ به متن فرهنگ دیگری بروید، چراکه نه هیچگاه به طور کامل از فرهنگ قبلی بریده میشوید و نه هیچگاه به طور کامل جذب فرهنگ دیگری خواهید شد.» لورنس

## زبان مردم بختیاری

عباس قنبری عدیوی

مدرس دانشگاه‌های شهرکرد و نجف‌آباد

[www.odivi.com](http://www.odivi.com)[odivi46@yahoo.com](mailto:odivi46@yahoo.com)

بنابر محاسباتی که زبان‌شناسان در سال ۱۹۶۴ م. به عمل آوردند شماره‌ی زبان‌هایی را که تقریباً پنج میلیارد تن سکنه‌ی امروزی کره‌ی زمین به کار می‌برند میان چهار تا هفت هزار برآورد کرده‌اند (باقری، ۱۳۷۱، ص ۱۲). زبان ایرانی به عنوان زبان مادری ساکنان این سرزمین جزئی از خانواده‌ی زبان هند و اروپایی است. باقری (۱۳۷۱) می‌گوید:

زبان‌های ایرانی شاخه‌ای از خانواده‌ی زبانی هند و اروپایی است. هند و اروپایی به اقوامی اطلاق می‌شود که در روزگاران بسی کهن در نواحی واقع در جنوب سرزمین روسیه امروزی در دشت‌ها و استپ‌های میان جنوب سیبری، دریاچه‌ی آرال، شمال بحر خزر و شمال قفقاز می‌زیستند (ص ۱۴).

پژوهشگران ایرانی گویش بختیاری را جزئی از گویش‌های جدید زبان فارسی می‌دانند. پناهی (۱۳۷۹) معتقد است لری، بختیاری و لکی و لهجه‌های فرعی آنها را به طور کلی تحت عنوان لری می‌توان قرار داد. گویش لری جزو گویش‌هایی است که در گروه زبان‌ها و لهجه‌های جنوبی ایران دسته بندی شده‌اند (ص ۱۴۹). گویش‌های لری شامل: بختیاری، بویر احمدی، فیلی، کهگیلویه‌ای، گیانی، ممسنی‌یی و ... می‌باشد و زیر گروه گویش‌های جنوب غربی از بخش زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو غربی است (رضایی، ۱۳۸۰، ص ۵). مقرر اصلی این زبان در کوهستان‌های بختیاری و مغرب استان فارس است و توسط قبیله‌های بختیاری، ممسنی، کهگیلویه‌ای، بویراحمدی و جز آن به کار می‌رود. این زبان جزو زبان‌های جنوب غربی ایران به حساب آمده است (کلباسی، ۱۳۷۴، ص ۲۲ و دایره‌المعارف نو، ج ۱، ص ۶۷۶).

باقری (۱۳۷۱) نیز زبان لری و بختیاری را از گویش‌های ایرانی دوره‌ی جدید برمی‌شمارد (نگر، ص ۹۹). آنچه از آن به عنوان زبان یاد شده است در مفهوم گفتاری و گویشی مردمی است که در ناحیه بختیاری به آن تکلم می‌کنند و منظور ما قواعد دستوری و گرامری آن نیست بلکه همان چیزی است که گویشوران این تبار از آن بهره می‌برند.

بنا به عقیده‌ی زالسمن (۱۹۷۱): زبان و لهجه‌ی مادری از عوامل منسجم کننده و موجب تحکیم روابط چادر نشینان است (نگر، امان، ۱۳۶۷، ص ۸۰).

در بختیاری چند چیز اهمیت بسیاری دارد. در وهله‌ی اول جایگاه اجتماعی و وجود معنادار و شناخته شده (شناسنامه دار) در ایل، طایفه، تیره، تش، اولاد و ... است (نگر: گارثویت، ۱۹۶۹، ص ۳۶). پس از آن زبان و گویش از اهمیت بالایی برخوردار است به گونه‌ای که اگر کسی نتواند به زبان و گویش مادری خود سخن بگوید، عیب و گناه شمرده می‌شود و در قباحات آن، این نوع تکلم را ترکی-مغولی می‌خوانند.

در کتاب «ایل بزرگ بختیاری»: آمده است زبان نیروی بالقوه‌ی احساسات درونی است که در صور اصوات به قدرت و استعداد بالفعل ارتباطی (به عنوان عنصر کیفی وحدت) و عامل اشارات ارگانیک بدل می‌شود، معجزه‌آسا ترین کشف بشر است (صالحی، ۱۳۶۹، ص ۷).

به اعتقاد من انسان تلاش می‌کند مشکل خود را برای برقراری ارتباط با سایرین با الفاظ و در قالب گویش و زبان حل کند و این نیاز اوست تا برای ایجاد وحدت، رابطه و یافتن هویت اجتماعی-فرهنگی در زیستگاه خود به تولید زبان و گویش کمک کند و به همین دلیل تنوع زبانی، گویشی و حتی گونه‌ای را شاهد می‌باشیم. بختیاری‌ها به دلیل نوع زندگی و شرایط اقلیمی خود برای این رابطه از طبیعت گونه‌گون بهره گرفته‌اند.

ویلسون می‌گوید: لوریمر در مقاله‌ی تحقیقی خود نشان داد که گویش بختیاری در اصل ایرانی آمیخته با کلماتی از پهلوی قدیم و همچنین مخلوطی از واژه‌های عربی، ترکی و کردی است که ریشه‌ی قومی و عشیره‌ای دارد (ویلسون، ۱۹۲۶، ص ۲۶۵).

متأسفانه درباره‌ی گویش و زبان لری یا بختیاری کارهای جدی در داخل و خارج از ایران انجام نشده است. یکی از مسایل مهم و اساسی در توسعه و ترویج زبان علاقه‌مندی گویش‌وران آن و استفاده از این عنصر ارتباطی در مراوده، تجارت، آموزش و زندگی فردی و اجتماعی است. اکنون شاهد آن هستیم که با تغییر ساختار اجتماع خانوادگی و انجام ازدواج‌های گسترده خارج از قوم و خاندان خود زبان مورد کم‌لطفی و بی‌توجهی قرار می‌گیرد. هجوم تکنولوژی و فن‌آوری روز از جمله ماهواره و اینترنت نیز به این روند سرعت می‌بخشند به گونه‌ای که نسل امروز که محدوده‌ی کودکان زیر ۱۰ سال و حتی زیر ۲۰ سال را شامل می‌شود از گویش و زبان مادری خود کم‌ترین اطلاع را ندارند. این بحران تنها شامل گویش لری نیست بلکه در بین هموطنان ترک، کرد، لک و آذری نیز به چشم می‌خورد.

با این استدلال در آینده شاهد فراموشی و مرگ تدریجی گویش‌ها و گونه‌های زبانی خواهیم بود. تنها مرگ گویش بحران و دغدغه‌ی دانشوران و خبرگان جامعه نیست بلکه در متن این پیوستگی فرهنگ، آداب و رسوم و اخلاق قومی نیز دچار تغییر یا تنزل خواهد شد. ارزش‌ها و ویژگی‌های ایل‌ی چون شیرین زبانی، استفاده از فولکلور و گویش مادری بهره‌گیری از ضرب‌المثل‌ها و ترانه‌ها نیز دست‌خوش تغییر می‌گردند.

اگرچه زبان به عنوان قوی‌ترین عنصر ارتباطی اقوام، ملیت‌ها و فرهنگ‌ها را به هم نزدیک می‌کند با ادبیات تفاوت‌هایی دارد. در این مقاله به پیوند ادبیات و زبان و زبان و آموزش و همچنین زبان گفتاری و نوشتاری پرداخته‌ایم بلکه دریچه و روزنه‌ای به ضرورت پاس‌داشت زبان مادری گشوده‌ایم تا با اهمیت دادن به زبان و آموزش آن به فرزندان به تعمیق این باور کمک کنیم که زبان قوی‌ترین و اصلی‌ترین رمز هویت ملی ماست و انفکاک و جدایی از این هویت به منزله‌ی جدایی فرزندان از خانواده، نژاد، فرهنگ و آیین خویش است.

همانگونه که گفته شد شرایط اقلیمی (کوه‌های سر به فلک کشیده، چشمه‌های روان، رودخانه‌های توفنده، پرندگان نغمه‌سرا و دشت‌ها و جلگه‌های سرسبز) در ایجاد لحن و موسیقی گفتاری بختیاری مؤثر است. این نکته را یادآور می‌شوم که گویش مردم نواحی ییلاق و قشلاق، هفت‌لنگ و چهارلنگ با هم متفاوت است و حتی گونه‌های زبانی دورکی‌باب، بابادی‌باب و دینارانی‌باب نیز با هم تفاوت‌هایی دارند.

ویلسون می‌گوید: گویش بختیاری بسیار زیبا و دلپذیر است و برای یک زبان‌شناس اصطلاحات فراوانی دارد که در زبان‌های دیگر یافت نمی‌شود (ویلسون، ۱۹۲۶، ص ۲۶۵).

صالحی بر این باور است که: تأثیر طبیعت و حضور جغرافیا در زبان و حتی در گویش‌ها، لحن‌ها و لهجه‌های بومی - محلی مشهود است: به لهجه‌ی نرم سلیس و محتاط و زنانه و آنیموستیک اصفهانی و یزدی که گوش می‌دهیم هم روحیات ظریف و هم نرمش و یک روالی «دشت» و آب و هوای نیمه کویری را حس می‌کنیم اما به عکس آن زبان کردی و گویش بختیاری و لهجه‌ی کرمانشاهی نمادی روشن و چهره‌ای کیفی از کمیت زبان کوهستانی است، بلند، قاطع، پولادین، تیز، برنده، خشن و پرتین و زاویه (صالحی، ۱۳۶۹، ص ۱۰).

گویشوران بختیاری با طبیعت چند پهلو، ستیغ‌های بلند و رودخانه‌های توفنده و خشن رابطه‌ای نزدیک برقرار می‌کنند به همین دلیل زن و مرد آن بلند، پرعصبیت و کشیده سخن می‌گویند. همانگونه که طبیعت و جغرافیای آنها خود را نشان می‌دهد. این ویژگی‌ها را در فولکلور و فرهنگ عامه نیز به همین صورت می‌بینیم. جالب این است که یک بختیاری لحن و صوت باریک و زیر را برای مرد عیب می‌داند و صوت مردانه و بم را نوعی شکوه و هیبت ایل‌یاتی قلمداد می‌کند. در این مجال به اصول زبان‌شناسی و روان‌شناسی زبان (Psycholinguistics) نمی‌پردازیم چون به مفهوم حرکتی گفتار گویشوران ایل و تبار بختیاری اشاره می‌کنیم.

راولینسون می‌گوید: تا کنون این گویش‌های رایج در منطقه‌ی کوهستانی زاگرس را بازمانده‌ی زبان پهلوی می‌دانستند ولی به نظر من زبان لری (منظور گویش بختیاری است) از فارسی باستان مشتق شده که هم زمان با زبان پهلوی به طور جداگانه و مشخص صحبت می‌شده است. گویش بختیاری را نزدیک به زبان پهلوی ساسانی

می‌دانند (صالحی، ۱۳۶۹، ص ۱۳). یارشاطر لری، بختیاری و لکی را از لهجه‌های جنوبی می‌داند و معتقد است فارسی، لری، کردی و تاکستانی در تحول پیش‌تر رفته و نسبت به صورت قدیم خود بسیار ساده شده‌اند (نگر، مقدمه‌ی لغت‌نامه‌ی دهخدا، ص ۱۹).

به استناد مطالعاتی که نگارنده در این خصوص داشته است مهم‌ترین خصایص زبان گفتاری گویشوران بختیاری از این قرار است:

- ۱- دستور پذیر و قاعده‌مند بودن.
- ۲- صراحت و صلابت گفتاری.
- ۳- کوتاه‌گویی و ایجاز.
- ۴- پرهیز از حشو گویی در گفتار.
- ۵- همواره بر اساس مفاهیم، تجارب و دانسته‌ها و دانستگی‌ها و دانستنی‌ها متولد می‌شود که در حقیقت به نوعی ثمره‌ی زبان است (صالحی، ۱۳۶۹، ص ۱۴).
- ۶- حذف برخی الفاظ، اصوات و جای‌گزینی حالت و اشاره‌های معنادار.
- ۷- زنده، منعطف و گیرا بودن و به نوعی قابل فهم بودن برای غیر گویشوران خود.
- ۸- پذیرش محدود از سایر زبان‌ها و گویش‌ها همچون ترکی، مغولی، عربی و لاتین.
- ۹- انعطاف پذیر بودن و حل و جذب با واژه‌های فنی و صنعتی (ورود واژه‌های لاتین همراه با صنعت نفت).
- ۱۰- دارا بودن برخی آواهای اختصاصی مثل: شیر šeir به معنی شعر یا شیر درنده (شیر šir; شیر خوراک، سیر seir در مقابل گرسنه، دهدر dohdar این آوا چیزی بین «د» و «ز» می‌باشد و تلفظ آن خاص بختیاری‌هاست، دکوو dokow : دکان که واکه‌ی مرکب ow با غلطت آوایی جانشین «ون» شده است.

گویش و زبان بختیاری مورد توجه و علاقه پژوهشگران اروپایی بوده است به گونه‌ای که:

سرگرد لاریمر (۱۸۶۷-۱۹۶۲) موادی را از لری (بختیاری)، کرمانی و گبری (لهجه زرتشتیان) جمع آوری کرده بود و چند متن درباره‌ی موضوعاتی چون تولد، عروسی، مرگ و تدفین، طلسم عشق، مهمان نوازی، طلب باران و ... جمع آوری کرده بود (صادقی، ۱۳۷۹، ص ۶۰).

مردمان لر زبان و هم‌تباران بختیاری به داشتن حافظه‌ی قوی و قریحه‌ی سرشار ادبی مشهورند و بی‌گمان وجود بیش از هزار شاعر شناخته شده در خاستگاه هنر و ادب این دیار دلیلی برای بهره‌مندی آنها از این عنصر حیاتی است (نگر، شایان، ۱۳۷۸، پارسی سرایان بام ایران).

لرها با اسب، تفنگ و موسیقی و ادب خاص خود زندگی می‌کنند. گذر آنها از ایل‌راه‌هایی سخت‌گذر، دره‌ها و رودهای سهمگین و فتح قله‌های مرتفع و رام کردن سستیغ بلند کوه‌ها سبب شده است که آنها را شاهزادگان کوهستان بنامیم. يك فرد ایلی باید تفنگ و اسب داشته باشد پیوند عاطفی و دیرینه‌ی او با اسب و تفنگ یادآور مرزدارانی است که قهرمانانه جان خود را در تیر کردند تا مرزهای کشور را گسترده‌تر و خانه‌ها را فراخ‌تر نمایند و از حصار تنگ شهرها و روستاها رهایی یابند. تناسب و هارمونی در زندگی ظاهری بختیاری‌ها جالب است. مرد این ایل پیراهنی سفید، شلواری سیاه (دبیت Dabit) بر تن دارد و چوقا (čoqa) که بالاپوش مردانه‌ی اوست این لباس‌ها را زیباتر می‌سازد. شال سفیدی بر کمر و کلاه سیاهی بر سر دارد. گیوه‌های سفید خود را بر پای استوار کرده و محکم قدم برداشته و بلند سخن می‌گوید.

زن لر و بختیاری با پیراهنی رنگین و شاد، جلیقه (کلیجه kolije) به تن کرده شلوار مخمل خوش‌رنگی بر روی زیر شلوار می‌پوشد لچک آراسته به پولک و منجوق با بلورهای شیشه‌ای ریز الماس‌نما بر سر می‌گذارد و با مینای خوش رنگ و نازک سر و سینه و بالاتنه‌ی خود را می‌پوشاند. موهای خویش را آراسته از دو سوی لچک بیرون می‌آورد و به قول حافظ:

ای که بر مه کشی از عنبر سارا چوگان      مضطرب حال مگردان من سرگردان را



بندسيزن (band sizen) که نوعی رشته‌ی بلند از مهره‌های رنگی و سکه‌های آویزان شده است بر دو سوی لچک و مینای خود می‌بندد تا این تناسب و زیبایی همراه با استواری قامت و اعتدال خدادادی او بهتر نمایان شود. (البته این لباس غیر از لباس کار و تلاش و کوچ است).

۲۱ فوریه برابر با دوم اسفند روز جهانی زبان‌های مادری است. اهتمام و اهمیت دادن به زبان و گویش مادری در بین هر قوم و طایفه‌ای مهم و اساسی است. کشور پهناور ایران از اقوام گوناگون لر، کرد، ترک، عرب، بلوچ، گیلک، ترکمن، لک و ... تشکیل شده است. تنوع گویش علی‌رغم پیوستگی تاریخی و فرهنگی از ویژگی‌های برتر فرهنگی این کشور است. به اعتقاد من وظیفه آموزش و پرورش و آموزش عالی در حفظ، ترویج و توسعه زبان‌های مادری در برنامه‌های آموزشی و پرورشی خود به حفظ هویت ملی و ارزش‌گذاری جوانان و نوجوانان به این سرمایه میهنی کمک خواهد کرد. راه عملی و پیشنهاد اجرایی برای این باور می‌تواند راه‌گشا و مؤثر باشد. در ذیل به چند نکته اشاره می‌شود:

- ۱- استفاده از زبان‌های ایرانی در ساخت فیلم‌ها، انیمیشن‌ها و تئاترهای هنری.
- ۲- استفاده از فولکلور (افسانه‌ها، قصه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و ...) در کتاب‌های درسی.
- ۳- اختصاص یک واحد درسی در مناطق و نواحی هرگوش و زبان برای اهمیت دادن و ترویج زبان‌ها و فرهنگ‌های بومی (همانند کتاب جغرافیای استانی).
- ۴- استفاده از ظرفیت برنامه‌های استانی صدا و سیما در پاس‌داشت و ترویج گویش‌ها.
- ۵- به مصداق (الدّرسُ حرفٌ و التکرار الف) خانواده‌ها به فرزندان خود گویش مادری و زبان بومی خود را آموزش دهند.
- ۶- استفاده از گویش‌ها و زبان‌ها در سایت‌ها و وبلاگ‌های رایانه‌ای.
- ۷- برگزاری همایش‌های تخصصی و سمینارهای توسعه و ترویج زبان مادری در ۲۱ فوریه (۲ اسفند هر سال).

## منابع:

۱. امان، دیتز، ۱۳۶۷، بختیارها عشایر کوه نشین ایرانی در پویه تاریخ، ترجمه سید محسن محسنیان، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد.
۲. باقری، مهری، ۱۳۷۴، تاریخ زبان فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران.
۳. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۳، لغت‌نامه‌ی دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۱.
۴. رضایی باغ بیدی، حسن، ۱۳۸۰، معرفی زبان‌ها و گویش‌های ایران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه گویش‌شناسی، تهران.
۵. سرواستن هنری لایارد، استاک، ۱۳۷۱، مادام بیشوپ، لینچ، ویلسون، سیری در قلمرو بختیاری و عشایر بومی خوزستان، ترجمه مهرباب امیری، فرهنگسرا، تهران.
۶. شایان، علی‌رحم، ۱۳۸۲، پارسی سرایان بام ایران، (چهارم‌حال و بختیاری)، ج ۳، جهان‌بین، فرخ‌شهر.
۷. صادقی، علی‌اشرف، ۱۳۷۹، نگاهی به گویش‌نامه‌های ایرانی، مرکز نشر دانشگاهی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران.
۸. صالحی، سید علی، ۱۳۶۹، ایل بزرگ بختیاری، انتشارات اطلس، تهران.
۹. قنبری عدیوی، عباس، ۱۳۸۱، امثال و حکم بختیاری، ایل، شهرکرد.
۱۰. کلباسی، ایران، ۱۳۷۴، فارسی ایران و تاجیکستان، وزارت امور خارجه، تهران.
۱۱. گارثویت، پروفیسور جن.راف، ۱۳۷۳، تاریخ سیاسی - اجتماعی بختیاری، ترجمه مهرباب امیری، نشر سهند، تهران.

علی مردان عسگری عالم در گفتگو با لور:

### زبانهای مادری حداقل به عنوان فوق برنامه در سیستم آموزش و پرورش گنجانده شوند

گفتگو: مهدی ویس کرمی / احد رستگار فرد

آقای عسگری عالم، از فعالترینهای ادبیات لرستان در سالهای اخیر هستند، «فهلویات»، «فضول معرکه»، «فرهنگ لکی به فارسی»، «فرهنگ لری به فارسی»، «فرهنگ عامه مردم لرستان» و... آثاری هستند که به صورت پیاپی ارمغانهای پراج استاد علیمردان عسگری عالم به ادبیات لری به شمار می روند، در ادامه رهنمایی های استادانه ایشان را در گفتگویی کوتاه با نشریه لور به مناسبت «روز جهانی زبان مادری» می خوانیم.

نیز در حال دگرگونی است. بنابراین مهمترین ویژگی قومیتی لرها زبان لری است که باید حفظ شود. :: وظیفه ی متولیان و دستگاههای فرهنگی این دیار در این باره چیست؟

متولیان فرهنگ جامعه در این راستا نقشی کلیدی بر عهده دارند، به عنوان مثال با ابزارهایی که صدا و سیما در دست دارد (موسسه های تحقیقی و تولیدی از قبیل سروش و سیمافیلم...) اما متاسفانه اقدام درخوری برای حفظ زبان لری صورت نمی گیرد. صدا و سیما می تواند با دعوت از کسانی که برای زبان لری زحمت کشیده اند و ساخت برنامه های فرهنگی در باره ی زبان و فرهنگ لری می تواند در این راستا نقشی کلیدی ایفا کند.

:: به نقش صدا و سیما اشاره کردید، وظیفه ی نهادهای دیگر به ویژه آموزش و پرورش در این راستا چه می تواند باشد؟ آیا می توان زبان لری را در مدارس تدریس کرد؟

بله زبانهای لری ولکی تمام ویژگیهای یک زبان (دستور زبان و...) را دارا است و می توان آن را در مدارس و حتی در سطوح تحصیلات عالی ادامه داد. و اینجا است که وظیفه ی آموزش و پرورش نیز نمایان می گردد زبان لری در مدارس حداقل به عنوان فوق برنامه می تواند در مدارس تدریس شود. سالها است که جغرافیای استان در مدارس تدریس می شود، همگام با آن می توان تاریخ قوم لر و نیز زبان لر را نیز در مدارس این سامان تدریس کرد.

:: گذشته از بخش دولتی فرهنگ دوستان لر چه اقداماتی برای حفظ و گسترش لری می توانند انجام دهند؟ فرهنگ دوستان جامعه نیز باید توثقات خود را پایین آورده و در حد وسیع خود برای اشاعه فرهنگ

:: جایگاه زبان مردم لر در مجموعه زبانهای ایران و منطقه چگونه است؟

زبانهای بومی ایران زمین مانند شاخه های یک درخت هستند که تنه ی این درخت را زبانهای باستانی ایران تشکیل می دهد وجود واژگان مشترک در ادبیات این زبانها نمی تواند دلیلی برای منشعب شدن آنها از هم و یا زیرشاخه بودن آنها باشد. به عنوان مثال کلمات مشترک فراوان زیادی بین زبانهای لکی و کردی دیده می شود به صرف وجود واژگان مشترک نمی توان لکی را کردی و یا حتی لری قلمداد کرد بلکه لری زبانی مستقل است که نه لری است و نه کردی، اما آنچه مسلم است این است که ریشه ی نژادی لرها، لر است در واقع عده ای از لرها به زبان مستقل لکی تکلم می کنند.

:: وضعیت کنونی زبانهای مادری در جامعه چگونه است؟

در شرایط کنونی زبان لری با چالشهای فراوانی روبرو است به عبارتی حیات آن به مخاطره افتاده است، از دلایل آن می توان به هجوم فرهنگهای بیگانه، استفاده ی جوانان از کلمات و عبارات مجهول و بی ریشه ای که حتی موجودیت زبان فارسی را نیز با خطر مواجه کرده است. :: اصولاً آیا زبان لری باید زنده بماند یا محکوم

به فنا است؟

زبان لری محکوم به بقا و زندگی است نمای ظاهری فرهنگ اقوام را می توان به مثلثی تشبیه کرد که یک ضلع آن لباس محلی، ضلع دوم آداب و رسوم محلی و ضلع سوم مثلث زبان یک قوم است. این در حالی است که سالها است که دیگر کسی لباس محلی لری بر تن نمی کند و آداب و رسوم لری

اما با شنیدن اسم لر به یاد ترانه های کهن لری افتاده اند و آنها را زمزمه کرده اند. با توجه با اینکه موسیقی امری حسی است و بهره گیری از آن ابزار خاصی را نمی طلبد می توان بدون هیچ محدودیتی از آن بهره برد. حتی موسیقی محلی ما می تواند فراتر از مرزهای جغرافیایی کشور نیز به شناخت فرهنگ لری تلاش کند.

:: شبکه ی جهانی اینترنت تا چه حد در حفظ و گسترش زبان لری موثر است؟

شبکه ی جهانی اینترنت نیز در این بین می تواند نقش بسیار مهمی ایفا کند؛ با توجه به اینکه در حال حاضر در ایران مخاطبان اینترنت اکثراً نسل جوان هستند فعالیت در این شبکه بسار می تواند موثر باشد. در حالی که در آینده ای نزدیک استفاده از این شبکه به نهایت خود خواهد رسید. شبکه ی اینترنت فرصتی برابر باری همه ی مخاطبین خود ارائه می کند که هر کسی بنا به نیازش می تواند از آن بهره گیرد.

:: سخن آخر..

صدا و سیما، آموزش و پرورش، اداره ی فرهنگ و ارشاد و .... نیز ارگانهای هستند که می توانند برای کمک به زبان لری بسیار موثر باشند . اما در این بین اهل قلم و فرهنگ این مرز و بوم نیز اقدام درخوری برای حفظ زبان و فرهنگشان انجام نمی دهند. در گذشته ختی در کوچه و خیابان مردم راجع به ادبیات، موسیقی و... به مباحثه می پرداختند. اما در حال حاضر اقداماتی که می توان برای ارتباط بین فرهنگ دوستان لر انجام داد این است که محافلی برای ارتباط و تبادل نظر بین این افراد در نظر گرفته شود تا محلی برای تجمع و تبادل نظر این دوستان باشد.

بومی تلاش کنند. هستند جوانانی که بدون هیچ چشم داشتی برای فرهنگ و زبان لری تلاش می کنند. در هر حال اگر هر کس در حد توان خود در این امر بکوشد می توان برای زبان مادریمان کاری کرد. گاهی نباید فقط به دنبال دفتر و دستک و بروکراسی اداری بود بلکه می توان با برگزاری جلسات حتی در پارکها برای ارتباط بین فرهنگ دوستان اقدامات موثری برای فرهنگ و زبان این منطقه انجام داد.

:: درباره رسم الخط بفرمائید، آیا اصولاً نیازی به مکتوب کردن لری یا لکی هست؟ چرا اکنون در این باره اقدامی صورت نگرفته؟

درباره ی اینکه تا کنون اقدامی برای دست یابی به خط لری صورت نگرفته است این است که ادبیات لری بشتر شفاهی بوده است و نیازی به رسم الخط مشترک احساس نشده است. از دلایل دیگر این امر می توان به عدم شهادت کافی در بین اهل فرهنگ این سامان برای دست زدن به این امر خطیر بوده است. اما مسلم است که امروزه برای کتابت فرهنگ لری نیاز به خط مشترک احساس می شود.

:: اگر زمانی بتوانیم به چنین رسم الخطی دست یابیم آیا شما در آثارتان از آن استفاده می کنید؟ می دانید که بالاخره باید از جایی شروع کرد..

اگر زمانی خطی وجود داشته باشد که رسایی و کارآمدی آن برای نگارش زبان لری و لکی برای اینجانب مسجل شود حتماً برای نگارش این مطالب در کتابهایم از آن استفاده خواهم کرد. با توجه به نقاط ضعف و مشکلات استفاده از حروف آوانگار استفاده از این خط میتواند مفید باشد.

:: نقش موسیقی لری در حفظ و گسترش این زبان چه می تواند باشد؟

نقش موسیقی لری برای حفظ و اشاعه ی لری نیز بسیار موثر است. دیده شده است که افرادی که هیچ اطلاعاتی از آداب و فرهنگ لری نداشته اند

## « سوزسیل لری » چنتا زونه؟

### اریک جان انونبی<sup>۱</sup>

لرنیدن: ابراهیم خدایی، احد رستگار فرد

#### چند نکته درباره ترجمه لری مقاله

۱- برای ترجمه (لرنیدن) این مقاله از زبان اصلی انگلیسی به لری، زبان و واژگان مرسوم در مناطق خرم آباد و بالاگریوه را برگزیده ایم (با توجه به تعلق مترجمان به این دو منطقه)، در گزینش و معادل سازی لغات کوشیده ایم از واژگان و جمله بندی اصیل بهره ببریم بدون آنکه روانی و رسایی و دقت متن را فدا کرده باشیم، با اینحال خوانندگان این متن که معمولاً پیش از این تجربه خواندن یک متن تخصصی به زبان لری را ندارند به خصوص اگر اهل مناطقی دورتر از حوزه گویش بالاگریوه - خرم آباد باشند اندکی با مشکل مواجه خواهند شد.

۲- تا جاییکه تسلط مترجمان اجازه داده است کوشیده ایم در ازای واژگان انگلیسی و فارسی به طور طبیعی لغاتی لری برگزینیم و گاه موفق بوده ایم (به عنوان مثال: پیوستار: **سوزسیل**، پژوهش: **تُرکشی**، معیار: **کپل**، شمال: **نسار**، جنوب: **برافتاو**، چشمگیر: **ورتهگیر**، مرز: **گرت**، گویشور: **قص کن**، مشاهده مستقیم: **ملاظم ری وه ری**)، اما در مواردی که نتوانسته ایم به چنین واژگانی دست یابیم ترجیح داده ایم از واژه سازی خودسرانه بپرهیزیم لذا گاهی به بیان لری وار برخی واژگان بسنده کرده ایم (مثلاً: زبانشناسی: **زوشناسی**، اجتماعی: **اشتمایی**، معلومات و داده ها: **میلومات** و...) اما در مواردی که واژگان نوساخته فارسی نیز همخوانی با ساختار و دستگاه آوایی لری نداشته اند از همان واژگان انگلیسی بهره برده ایم (مثلاً: **مورفولوجی**، **فونولوجی**، **گرامر** و...).

۳- زبان لری نه یک زبان علمی و دانشگاهی که بیشتر یک زبان محاوره ای و عشایری بوده است، بیشک اگر این متن نه یک متن تخصصی زبانشناسی بلکه یک متن مربوط به زندگی روزمره و روستایی بود میدان بیشتری برای جولان توانمندی جمله های لری در اختیار ما بود، با این حال به گمان ما مترجمین متن، با همه محدودیتها، همین متن خلاصه به نیکی نشان می دهد زبان لری با همه جفای روزگار هنوز توانمندی آن را دارد که بتوان برای تقویت و گسترش آن امیدوار بود، به گونه ای که بتوان آثار ادبی و منثور و منظوم را به طور گسترده بدان نوشت.

۴- برای نگارش این متن لری از «رسم الخط پیشنهادی لور» بهره برده ایم، ارانه و آموزش این خط هنوز صورت نگرفته است و این نوشته نخستین متن مکتوب بدان است، با این وجود کمتر خواننده علاقمند و پیگیری خواهد بود - به گواهی خوانندگانی که پیش از انتشار این نوشته را دیده اند- که نتواند متن را بخواند، به عبارت دیگر خط پیشنهادی لور دارای این حداقل مزایا هست که بتوان از آن همچون خط معمولی عربی بهره برد، علاوه بر این امکان حداقلی، خط لور می کوشد مزایایی داشته باشد، در خط لور این نویسه ها جدید هستند: (پ، ل، ئ، و، ی، ء، ، ، د) اما مهمترین ویژگی آن استفاده از کرسی برای مصوتهای کوتاه است در پایان کلمات و همچنین هر جا دو مصوت در کنار هم قرار گیرند و یا یک مصوت کوتاه به صورت کشیده و مضاعف آمده باشد، به عنوان نمونه: **گهپ** (بزرگ)، **بهضئ** (برخی).

این کرسی که از خود هیچ صدای مشخص و از پیش تعیین شده ای ندارد در ابتدا، میان و پایان کلمات به این اشکال نمایان میشود: ( ، ، ، ، ، ) چون اغلب هیچ مصوتی بر روی آن ظاهر نمی شود، خواننده بر حسب لهجه خویش می تواند روی این کرسیها یک مصوت کوتاه (فتحه کسره، ضمه و...) فرض کند، این اختیار نقش گسترده ای در وحدت بخشی میان گویشهای مختلف خواهد داشت. به عنوان مثال واژه **یم** به معنی **این** در گویشهای مختلف ممکن است به گونه های مختلف تلفظ شود: **یم** (گویش لرستانی)، **یم**، **یم** (گویش بختیاری)، یا واژه **م** به معنی **من** در گویشهای مختلف به صورتهای **م** (گویش بختیاری)، **م** (گویش بروجردی و ثلاث)، **م** (گویش خرم آبادی و...)، تلفظ میشود.

از آنجا که حروفی مانند ع، ح و ه در میان کلمات - در گویشهای لری - تلفظ نمی شوند به جای آنها از کرسی استفاده میشود تا خود حروف حذف شوند اما مصوتی روی آنها باقی بماند: بعد: **بهد**، تحقیق: **تهقیق**، ظهر: **ظهر** در پایان مقدمه لازم است یادآور شود نشریه لور مشتاقانه چشم به راه نظرات و راهکارهای همه اهل نظر و قلم برای دستیابی و ترویج رسم الخط مناسب زبانهای لری می باشد.

<sup>1</sup> - ERIK JOHN ANONBY

**:: سرتال**

لیری یه زون هندی-اروپاییه که بیشتتر ده چهار ملیو<sup>۲</sup> کس وش قصه کنه. جامال مردمه لرها وه منطقه برافتاؤ-افتاؤ نشی ائرو (Southwestern Iran) و نساؤ-افتاؤنشی عراق (Southeastern Iraq)، الوت قرئ هم ده لرو بارکردن وه ولاتئا آسیایی و افتاؤنشی (اروپا و امریکا).

مه ائ تهقیق و ترکشی زوشناسین وا یه خلاصه ده بنچاق تاریخی یون (نژاد) لیر شرو کردم، چوناکه اشناختنه بنچاق تاریخی سی یه که گروبندی زونئا دسگیرمو با کمک کاره، ده یه گذشته زون لیری یه سوزسیله که ده هر دو سؤر مرزئاش وا لهجئا رنگوارنگئ ده زون فارسی و کردی همساه.

دما گتن تاریخ<sup>۳</sup>، یه گزارشتئ هم ده ترکشیا زبتر مخصوصن ونو که دما قیوم اسلمی ائرو [سال: ۱۳۵۷] انجوم بیه واگو کنم. هماج مه ده ائ ترکشی جواوه ائ سواله که: «سوزسیل لیری» چنتا زونه؟

مئن گروبندی زونئا، مهمولن لیرین یه زون یکه و یه دس جاگیر کنن، اما نظرتئا جورواجورئ هم دی باره هئ. بهضی ده نویسندئا و ترکشون مفاظله کار سی خاطر پرشمار بیدنه فارسو ده ولاته ائرو، گتنه که لیری فقط یه «لهجه» ده فارسی. بهضی ده ترکشو هم تقلا کنن که لیرینه وه عنوان یه گرو-که بیشتتره ده یه زون و چنتا زون مئن خش داره- بشناسونن، زون لیکی هم که لرو ده کتئ ده ولاتشو واش قصه کنن هم گته بیه.

مه دما واگو کردنه ائ نظرتئا رنگوارنگ، هماج اصلی مقالنه وا کارگیری مهلومات زوشناسی و زوشناسی اشتمایی پی گرتیمه. **ملاظه ری وه ری قصه کنو، وارسئا زوشناسیه اشتمایی، اشماردن لغتئا و..** انجوم بیه تا گروبندی لیری وه سه منطقه زونی (فیلپون یا لرسونی، بختیاریونه، برافتاؤیی یا جنوبی) عرض بوه. یه نشخه (بیوس - ۱) ده گروئا زونی هم نتیجه ائ مقالن توضع دئیم.

**چن زون سوزسیل (سوزم و سیره) لیرین درس کرده؟**

وارسیائئ که دباره زون لیری انجوم بیه بیشتتر توصیف یه زونن تا براور کردنه جورئا رنگوارنگه زون لیری (بیشتتر توصیفین تا تطبیقی)، وه خاطر یه همسایه جوریا رنگوارنگ لیری وایکدیهر دئار نئ. فقط کلئک اشمارئ ده نویسندئا لیرین وه عنوان یه چه یا پلاره گرهتنه ده ور، مه چنتاشو که تهئیره ورتیهگیرتئ داشتنه ورچیمه.

**:: لیری همگیرام یه لهجه ده فارسی**

نویسندئا افتاؤنشی [امریکا و اروپا] و قرئ ده دانشگاهیا جدید ائرونی، دی قرن دمایی ری جورواجوریه «زون» لیری کارکردنه، هرچی زوشناسئا و زوشناسئا اشتمایی ثابت کردنه لیری واقهن یه زونه اما هنی هم اتقات خیلئ ده ائرونی یه که لیری فقط یه لهجه و لحنه ده فارسی. لیری فرخئا خیلئ ورتیهگیرئ وا فارسی داره، چه وه مئدو فونولوجی، مورفولوجی، گرامر، دستور ترکیب و چه وه مئدو لغتئا.

خود قصه کنو هم ده ائ فرخئا واخورن، ائ دو<sup>۴</sup> تا (لیری و فارسی) ذاتن زون یکدیهرن نفهن، اما ائ حقیقت وه خاطر دو<sup>۵</sup> زونه بیدنه لرو [که هم فارسی دون هم لیری خشونه] دل بهضیان وه شک ونه که شایت لیری فقط یه لهجه با.

**:: لیری همگیرام یه زون یکونه**

مجله Ethnologiae حرف حساون یه دونه که لیری یه زون یکونه، اوسه گئرد جورئاش لهجئائسن ده او زون یکونه، ولی سی ائ اتقات سینتئ نئاورده و نتونسته حرفش ثابت کنه، اما خو یه حرفیه که گتنه. وئ چنئا هم چنتا نویسندئه یکونه بیدنه لیرین زئر سوال بردنه. چنو که میخونئیم Peoples of Iran و امان اللهی هردک گتنه که چنتا زون جورواجور ها وه مئن پلاره لیری.

2 - دباره جمعیت لیر زونئا آمارئا خیلئ تیچ وچن، رقم چهار ملیو که نویسندئه اهلام کرده (مربوط وه سال ۲۰۰۰-۲۰۰۱) قطعن ده آمار واقعی خیلئ کمتره.

۳- نویسندئه ده ائ خلاصه تاریخی یه سری مهلومات عمومی که حتمن سی خوانندئا ائ مطلب-که مهمولن خشو لیرن- تکراریه، وه همئ خاطر ائما ده انتشار ائ کت ده مقاله صرف نظر کردئیم.

## People of Iran : لری و بختیاری

بهضی نویسنده یا گوین که لری و بختیاری وه کلی ده یک جگاهن. ائ اتقات خیلئ خلاصه ده نشخه Peoples of Iran (Ethnolinguistic Group) نمایو بیه. مئن او نشخه زون لری دو دو جا یا ور تیه، بختیاری ها ماوئنه دو ولات لرنشی. ائ نشخه منطقه بختیارین دقیق و درس نشو دئه.

سی خاطر یه چی بختیاریو خشون جگا دونن: اونو اول بختیارین - یه کت ده پلاره یون لیر - ، دمائی لرن، ده باره زونشو هم گوین که بختیاریونه تنیا جور لیره که قصه کنونش خیال کنن یه «زون» جگاهه (ظہراو مددی ۱۹۹۶). اما کسونئ که بختیاریونه قصه کنن هنی هم خشو زونشون وه عنوان یه جور لری اشناسن (همو طور که ایتالیایی یه جور رومیاییه). مہلوماتئ که ده بشخ بہدی تقدیم بوه مشخص کنه که بختیاریونه یه زونه دئاریه که ها ماوئنه دو منطقه لری نساہ (فئیلی) و برفتاو (بیراہمدی، کہگیلوه، ممسنی و..). که ده نشخه people of Iran نمایشت داده بیه؛ اما باید بدونئم کہ هر دو منطقه لرنشی وا بختیاری بیشتہر بیابرو دارن تا وایک، نتیجہ گیرئم کہ گروبنیہ «بختیاری + دو منطقه لری» چی نامناسویہ کہ ها وه مئنہ او نشخہ.

### :: بہارون: لری افتاونشی و لری افتاؤزنو

آقای دگدر اسکندر آمولایی بہارون هم چی people of Iran دم ده اشناختنہ دو زونہ لری زنہ، الوت گروبنی او وا people of Iran فرق داره، بہارون دی گروبنی خش پاپئ Oranski بیه، اما گروبنی لری وه عنوان دو زون کار خشم و خش مسولشہ نہ ارانسکی: لری افتاونشی (باختری) و لری افتاؤزنو (خاوری). ائ گروبنی بہارون ده ائ باو کہ او خش لریہ اہمیت داره. لری افتاونشی لہجئا خرماوی، وروگردی، نہاونی و.. نہ گرئنه وه ور. لیره افتاونشی بہارون وا منطقه لری کہ ده نشخہ peoples of Iran ها وه نساہ منطقه بختیاری براورہ. لری افتاؤزنو هم بختیاریونه و لہجئا دئہری چی دسبیلی، شوشتری و.. گرئنه وه ور، او خش مستقیم کلئک نشو نکرده، اما اتقاتکو بہارون همہ لہجئا لره گہپن (بیراہمدی، کہگیلوه، ممسنی و..). نیاہ جزبہ گرو لری افتاؤزنو.

### سہ زونہ لری؟!

مہلوماتئ کہ وه دمبال ائ نوئشته عرض بوه ده گروبنی بہارون حماہت کنہ، اما سفارشت کنہ کہ لری افتاؤزنو هم خش بوه وه دو زون جگا: بختیاریونه و لری برفتاو (جنوبی). لری برفتاو همو زمینثائسن کہ ده نشخہ peoples of Iran هان وه ہار منطقه بختیاری.

ده طول زہبئی ده منطقه ممسنی آستان فارس، مہ فہمسم کہ ممسنیا سی ہمکلومی وا لیرزونئا منطقہئا هنی وه زونہ فارسی قصہ کنن نہ لری، مثلن وا لرونہ بختیاری یا لرونہ افتاونشی (لرسونی-فئیلی)، زوتا مہ تصمیم گرئئم تا ترکشی کنم، و سی ثابت کردنہ ائ اتقات سینت و مدرک دسہ پیئ کنم. سنئثا نشو دیہن کہ لری برفتاو وا جورئا دیہر لری فرخ داره، لری برفتاو اصلن ده سہ گرو دس بیه: بیراہمدی، کہگیلوه و ممسنی.

### وه تاق وندنہ کرتئا زونی

سی وه تاق وندن و دئاری کردنہ مرزئا زونی، مہ چنتا وسیلہ وه کار بردمہ: ملاظہ ری وه ری ہمکلومی، نظر خودہ قصہ کنو ده بارہ ہمکلومی، وارسی لغتنومہی.

مہ ہمکلومین وه عنوان یه کلیدئ کہ مئتونہ کرتئا هر زونہ دئاری کنہ پسن کنم. هر جا پیؤس فرہنگی بالاہ اما ہمکلومی ہارہ ہمہ یہنہ بسہ سی یه کہ ارتواط سخت با -مثلن چی جورئا زونہ چینہ- .

الوت ہیچکم دی اسباؤئا کہ گتم خشوناخشو یه کئیل (ملاک و مہیار) دقیق و مطمہن سی دئاری کردنہ مرزئا زونی نئ. اما وا قاطی کردن اونو و وا ترکشیا کہ زیتر انجوم بیه تونئم یه تصویر خو و حاستنی ده مرزئا زونی بیارئم وه دس.

### :: ملاظہ ری وه ری

ملاظہ ری وه ری ہمکلومی یه کئیل دقیق و خوه، ده ائ ترکشی نمونئا کمی بی کہ قصہ کنونہ ولانئا تیچویج لری ده وضہت مہمولی وا یکدیہر ری وه ری بان و مہ بتونم اونونہ وا تیه خم ملاظہ کنم. اما تا جائکہ مہ



ملاطه کردم، قصه کنون لیری برافتاو و باختیاریا فارسی حرف میژن، چوناکه نمیتونستن وه لیری خشو وایک همکلوم بان.

همئی طور لیرو نسا (فیلی، لیرسونی) وایرون برافتاو سی قصه کردن وایگرد یک فارسی میگتن. مه نتونستم همکلومی قصه کنو نسا وایقصه کنو باختیاریا ده نزدیک ملاطه کنم. تا جائیکه مه ملاطه کردم قصه کنو لهجئا جورواجور به منطقه سی همکلومی وایک ده فارسی استفاده نمیکردن.



1- پیوس Fig. 3. Division of the Luri ethnic area of Iran into language areas.

### :: اہساس خودہ قصہ کنو

اہساس و نظر خودہ قصہ کنو ہم سی دئاری کردنہ مرزئا زونی کئیل خوئیم. مه وارو ۲۰۰ چی ده چکچنہیائی کہ وای لیری زونئا داشتہم برسیم. لیرو نسا (فیلی، لیرسونی) میگتن کہ ہرچور لیری نسا سیشو فہمسنیہ، اما باختیاری وایکی سختن و نافہمسنیہ. فقط کمئی ده لغتئا لیری نسا ده برافتاو (کہگیلوہ، ممسنی، بیڑاہمدی) ہم پیدا بوہن، بہنئی لیرسونیا نتونن لیری برافتاوین فہمن.

بختیاریا گرد میگتن زون یکدیہرین راحت فہمن، فقط میگتن زون باختیاریونہ چلیگرد و کہرنگن سخت بوہ فہمی. باختیاریا میگتن کہ زون لیری نسا و برافتاوون وه سختی تونن فہمن.

برافتاوینیائی کہ مه واشو چکچنہ کردم خیلئی کہ وای لیرسونئا و باختیاریا دیدار داشتہن، ونونئی کہ دیدار داشتہن میگتن کہ باختیاری سختہ، لیرسونی نافہمسنیہ. ده خودہ منطقه برافتاو قصہ کنو گرد لهجئا یکدیہرن فہمن، فقط

قرئ میگتن که زون کهگلوه سخته، ولی باقی (بیژاهمدی، ممسنی و...) فهمسنین، وه نظر مه یه سی خاطر ینه که مردم کهگلوه دو لهجه دارن.

### :: لغت اشماری

اشماردن لغتیا و ترازو کردنه شریکی زونیا ده لغتنومه تنیا کیل عینیه که ده ترکشی و تهفیق سی اشناختنه قومی چنتا زون وه کار یاهه. الوت چنتا عیو هم داره، یکیش ینه که ائ کیل فقط یه کت کچیرئ ده زون ترازو کنه، پس ممکنه چنو دقیق وه فهم کردن زون مربوط ناوه. ده یه گذشتم، یه قانون دقیقئ نارئم سی یه که یه «لهجه» بوه وه یه «زون» یا چاوارشه. مهمولن جورئائی که ماوئن ۷۰ تا ۹۰ درصد شریکی لغتی دارن ممکنه لهجیا یه زون بان ممکنه هم ناوئن و هر کوم یه زون جگا بان، اما ونونئ که وارو نود درصد شریکی دارن مهمولن گویشیا یه زون.

Farsi-Shirazi Formal															
77	Farsi-Busbehri														
70	75	Luri-Mamasani 1													
76	79	89	Luri-Mamasani 2												
79	82	86	89	Luri-Boyerahmadi											
63	71	78	83	90	Luri-Kohgiluyeh*										
76	74	75	81	86	84	Luri-Bakhtiari-Hafilang 1									
72	74	75	79	79	75	84	Luri-Bakhtiari-Hafilang 2								
79	76	75	78	82	78	87	82	Luri-Bakhtiari-Chaharleng							
80	74	73	75	73	71	72	73	74	Luri-Luristani rural						
73	66	66	69	74	68	73	70	76	78	Luri-Luristani "mixed"					
82	74	70	64	71	61	67	66	71	77	71	Luri-Luristani-Borujerdi 1*				
85	85	69	77	81	NDA	81	85	81	60	65	67	Luri-Luristani-Borujerdi 2*			
85	79	70	75	81	71	78	75	78	79	79	78	77	Luri-Luristani-Khorramabadi		
70	65	61	65	70	67	66	67	66	69	73	67	77	78	Laki mixed	
70	64	61	65	69	63	65	67	66	69	73	66	65	78	92	Laki-Aleshtar

Fig. 2. Percentages of lexical similarity between varieties of Luri.<sup>44 45</sup> **2 - پیئوس**

مئن ائ وارسو مه ۱۲ لغتنومه ده ۲۲۵ لغت (مدخل) ده گپترین لهجیا سه منطقه فرضی گرد اوردمه. وه عنوان کنترل و کمکی سی وه تاق وندنه کرتیا زون لری، مه چهار لغتنومه کمکی آماده کردمه (دو جور فارسی و دو جور لکی). جورئائی که مه ورچیمه (فارسی بوشهری، فارسی شیرازی، لری ممسنی، لری بیژاهمدی، لری کهگلوه، لری بختیاری هفت لینگ ۱، لری بختیاری هفت لینگ ۲، لری بختیاری چهارلنگ، لری لرسونی دهاتی، لری لرسونی خرماویی، لری لرسونی وروگردی ۱، لری لرسونی وروگردی ۲، لری لرسونی قاطی، لکی ایشتری، لکی قاطی...)، وه طبق نوشته بهضی کتاویا و حرفیا خوده لرونئ که واشو چکچنه داشتمه هر کوم ده منطقه خشو مرکزیت فرهنگی داشتنه.

ده پیئوس شمار ۲ قرئ ده الگوئا ایفتانه وه تاق. ورتیهگیرترین الگو، یه سوزسیل لریه ده فارسی بهیرتا برسی وه لکی. جورئا زونی ده برفتاو - افتاوزنو تا نساار افتاونشی سامو گرئتنه. یه الگو هنی که ایفتانه وه تاق شریکی خیلئ زیاد همه جورئابه وا فارسی، ائ الگو نشو دیه که همه جورئا زون لری هر لغتی خشو نارن ده فارسی قرت کنن [ده یکدیهری یا ده زونئ هنی قرت نکن]. یه الگو هنی کت کت کردنه یلاره لری وه سه زون: لرسونی [فیلی-نساار]، بختیاریونه، برافتاویی. نزیکی وارو ۸۰ درصدی شروئئ سی تشکیل بیدنه یه زون. سی ترکشونئ که وا وارسو لغتنومه ای آشنان، دقت و صراحت کرتیا زونی [مئن جورئا لری] جالبه، به جز لری لرسونی که فرخ مئن جورئاش فراونه.



## درس آموزی از آثار بزرگان برای تدوین رسم الخط لری دال معجمه ی لری در آثار استاد حسین پژمان بختیاری

بهمن کیهان بختیار

هر انسانی حق دارد که زبان مادری خود را - در شرایطی به دور از هر گونه خشونت فیزیکی ، غیر فیزیکی و متافیزیکی - بیاموزد و به کار گیرد.

اما چگونه؟ و با کدام پشتوانه؟ اصلاً بیاید فرض کنیم سیاست های فرهنگی دولت عوض شده و از فردا صبح به تمام اقوام اجازه داده شود که به زبان مادری خود بگویند و بنویسند. آیا ما در آن شرایط می توانیم به طور روشمند از ظرفیت های زبان لری استفاده کنیم؟

به نظر من کاری که در روزنت لور شروع شده، برای جبران همین کاستی تاریخی است. از این رو کار روزنت لور، کار مهمی است. شورای نویسندگان لور با ادامه دادن به گفتگوهای از این دست، می تواند و باید - لافل در یک مقیاس آزمایشگاهی - توانمندسازی زبان لری (موجودیت نوشتاری زبان لری) را دنبال کنند.

در این عرصه باید قواعد نوشتاری زبان لری مورد استخراج چندباره قرار گیرد و سپس به کار گرفته شود تا نقایص آن در عمل آشکار گردد.

یکی از منابع ما برای استخراج قواعد نوشتاری زبان لری ، اشعار و نوشته های شاعران و نویسندگان لری است.

چندی پیش که یادداشتی با عنوان «از زبان بختیاری فارسی زده تا زبان بختیاری فارسی زابند» درباره مصائب زبان بختیاری در لور نوشته بودم، به برخی کاستی ها در دانش خود پی بردم. در آن یادداشت سعی کردم یکی از ظرفیت ها و ظرافت های زبان لری - یعنی دال معجمه - را معرفی کنم.

ولی آیا قواعد مدونی را برای به کارگیری دال معجمه لری (خاص گویش بختیاری) در نظر گرفته ایم؟ قطعاً چنین نیست و ما راه درازی در پیش داریم. وقتی می گویم راه درازی در پیش است منظورم طول زمان نیست، بلکه مقصودم بیان خطیر بودن و سختی کار است.

در اینجا به عنوان نمونه به نحوه کاربرد دال معجمه لری در نوشتاری از حسین پژمان بختیاری اشاره می کنم تا بتوانیم با درس آموزی از میراث گذشتگان، راهی را که برای تدوین قواعد نوشتاری زبان لری شروع کرده ایم، بهتر و کم آسیب تر بپیماییم. تمام نمونه هایی که در این نوشتار ذکر میشوند بر گرفته از مقاله ایست که استاد پژمان بختیاری در سال ۱۳۴۳ در مقدمه کتابی با عنوان «ضرب المثلهای بختیاری» نوشته بهرام داوری (انتشارات کتابخانه طهوری) آورده اند:

۱- پژمان در اکثر موارد حرف باء آخر کلمات را به صورت واو ثبت کرده است:  
نهيو وزنه بذه ز جو وراهه / بسا که تير قضا بت ندراهه  
نهيو وزنه بذه ز جو بپهره / بسا که تير قضا بتو نگهه

۲- پژمان در اکثر موارد دال معجمه بختیاری را به صورت صحیح آن ( دال ) ثبت کرده است:  
ندونم بيار بيدم يا ديدمه خو / بال رو به سادرخت چي ي پاره افتو  
تا که تی زیدم بیک دیدمت ز اوبا / فینگه واییدی و فیچستی من او

۳- پژمان در اکثر موارد مصوت بلند فتحه ی کشیده (فتحه ی مد دار) را به صورت هاء ثبت کرده است تا از فراموشی و سایش این آوا جلوگیری کند:

هر کچه سيل ايونم دال وام ديار نيذ / دستم رهد سي کيس کمر شنک در قطار نيذ



۴- پژمان در ثبت واژه ی گنو نهایت دقت را به کار برده است. توضیح این که گنو با اندکی اختلاف در تلفظ در طوایف مختلف به صورتهای گنو ، گگو و گگه کاربرد دارد:  
سیدال بنگ ایکنه گنوو مندنی شیر / جنگ به جریت بکن نیر وستبه تقدیر

۵- پژمان در برخی موارد حرف صاد عربی را به صورت سین فارسی نوشته تا واژگان را در روند «فارسایی نمودن» وارد نماید. نگاه کنید به نحوه نگارش واژه صیدال در بیت بالا.

۶- پژمان برخلاف برخی شعرای بختیاری - که از کاربرد حرف سین به جای شین در انتهای برخی واژگان بختیاری خودداری می کنند - تاکید دارد که این ویژگی زبانی و آوایی را حفظ کند:  
ی گلی من کمر تازه شکفته / نه دستم بس ارسه نه خس ایوفته

دهها مورد آموزنده دیگر در لابلای آثار بزرگان وجود دارد که باید آن ها را بیرون کشید و استخراج کرد. و این مهم همت تمامی نسل جدید را می طلبد.

## یای مجهول(ئ)

## ساسان والیزاده

نخستین گام در استعمال رسم الخط لری و لکی شناسایی الفبای این دو گویش است. این مقال بر آن است که به یکی از واج های رایج در این دو گویش که مناسفانه در فارسی امروز مهجور و متروک شده است یعنی یایی که در زبان دستورنویسان به یای مجهول(به اعتبار آن که در الفبای عرب نبوده لغویان عرب آن را مجهول شمرده اند)پردازد. این واج جدای از یای معروف است. این یاء (ě) واکه ای پیشین، نیم بسته و گسترده است. این واکه در کلماتی چون Šěr(شیر درنده)، sěr(مقابل گرسنه)، ěva(دیوانه) دیده می شود.

در تولید این واکه پس زبان به طرف کام افراشته می شود و مجرای گفتار را تنگ می کند. این تنگنا باعث می شود که جریان هوا در عبور از آن طنین خاصی ایجاد کند که "بستگی" نامیده می شود(حق شناس، ۱۰۱: ۱۳۷۸ و ویرا: ۱۳) این ئ را یای مجهول هم می گویند. (خانلری، ۱۸۸: ۱۳۵۲) امتداد تلفظ این حرف به اندازه يك تا دو کسره است(محمد رحیمی، ویرا: ۱۰۰) یای مجهول در الفبای فارسی قدیم وجود داشته و به تدریج از بین رفته است. حمزه اصفهانی این مصوت را " حرفی که به یاء شبیه است" توصیف می کند و کلمات سیر(لفارسیه الشعبان) و شیر(لفارسیه الاسد) را مثال می آورد. خانلری به نقل از خواجه نصیر می نویسد " حرفی که میان فتحه و کسره باشد چنانکه در لفظ شیر باشد که به تازی اسد باشد. و جای دیگر : حرفی که به یاء ماند در دیر و زیر " سپس همین مؤلف در ذکر حروف و حرکات قوافی می گوید : " یاء که در خطاب باشد مثلاً " گویی تو در این سخنی" یا در صفت چنان که در لفظ " خوش سخنی" یا در نسبت چنان که در " شهری دیگر" باشد و شبیه به یاء که در نکره آید . مثلاً : "گویی سخنی از سخن ها" یا در تقدیر فعل چنان که گویی "اگر گفتی" و " کاشکی گفتمی" و "به خواب دیدم که گفتمی" دیگر، و این دو حرف باشد یکی گرفته اند"

تفاوت میان این دو مصوت یعنی یای مجهول و یای معروف هنوز علاوه بر لرستان در بعضی از نواحی فارسی زبان وجود دارد. در بعضی نسخه های مکتوب در قرون چهارم و پنجم برای یای مجهول نشانه خاصی در کتابت هست که به این صورت است: (ي)

اما در فارسی درسی مدت هاست که این تفاوت از میان رفته است. یعنی امروز در فارسی رسمی و متداول ایران کلمه ای مانند " می بینی " با سه مصوت "I" یکسان تلفظ می شود و حال آنکه در تلفظ مردم افغانستان و تاجیکستان ( و البته لرستان!) مصوت نخستین در جزء " می" شبیه به کسره ممدود و متفاوت با دو مصوت دیگر ادا می شود. (خانلری، ۱۸۸: ۱۳۵۲)

به نظر می رسد که این مصوت تا قرن هشتم هجری در زبان فارسی وجود داشته است. شعر معروف مولوی ناظر به این مفهوم است، آنجا که می گوید " گر چه باشد در نوشتن شیر، شیر!".

دقت در مصرع آغازین گویای تفاوت دو یای معروف و مجهول است. مولوی می گوید "گرچه در نوشتن" نه "در تلفظ!". به عبارتی سیاق مصراع نشان می دهد که خوانش دو واژه شیر با تفاوت "یاء" بوده است و ایشان تاکید می کند که این کلمه تنها در نوشتن چون هم باشند نه در تلفظ و معنی!

خواجه نصیر توسی قافیه کردن شیر(جانور) و شیر(نوشیدنی) را قبیح دانسته است. این مسئله نشان می دهد تلفظ این حرف یعنی یایی که در تداول لرزبانان و لك زبانان وجود دارد تا زمان ایشان به کار رفته و البته در همان زمان دچار تحول یا خلط شده است چنانکه خواجه را ناگزیر به تذکر واداشته است. (توسی، ۶۹: ۱۳۶۳)

در همین ارتباط پاره ای از کلمات که دارای یای مجهول یا یای لکی بوده اند امروزه تبدیل به کسره شده و اگر در املا کلمه در متون کلاسیک دیده شود به غلط "I" خوانده می شود. مانند فریشته ferēšta که به غلط ferišta

4 - نگارنده در این نوشتار برای مشخص نمودن یای مجهول از نویسه ئ و ي بهره برده اند، لازم به ذکر است در رسم الخط قراردادی نشریه لور برای آن نویسه های ئ، ؤ، ۰ ( در پایان، آغاز و میان کلمه) پیش بینی شده است... نشریه اینترنتی لور

و امروزه frešta تلفظ می شود. دکتر خانلری نیز بر این امر صحه گذاشته و می گوید گمان می رود که در این مورد یای مجهول است که با کسره تناوب دارد (خانلری، ۱۹۹: ۱۳۵۲) مثال های زیر نمونه هایی از این معنی است:

شگفت / شگفت (بلعمی ع ۱۳۰)  
فرشته / فریشته (بلعمی ج ۱۶\_ طبری ۸۲۸\_ هدایه ع ۹\_ سامی ۶۳\_ میبدی ۸: ۲۲۰\_ ابنیه ج ۲\_ سجستانی ۲\_ پاک: ۸: ۲۱\_ سیستان ۴۰\_ سورستان ۱۶)  
زشتی/ زیشتی (طبری ۱۶۵۴)  
بخشش / بخشیش (زمخشریا: ۱۴۵)  
رشته / ریشنه (لسان ۱۴۷)  
کنجد / کنجید(قابوس ع a.f1۰)  
گوساله / گوسالی (طبری ۷۱۸)  
(خانلری: ۱۹۹: ۱۳۵۲)  
حافظ غزلی دارد با مطلع:

### **شاهد آن نیست که موئی و میانی دارد**

### **بنده طلعت آن باش که آنی دارد**

در این غزل همه کلمات قبل از ردیف به یای نکره ختم می شوند. در این غزل نیز حافظ "فلانی" را دوبار همراه با کلماتی که به یای نکره ختم می شوند قافیه کرده است:

**ای صبا نکهنی از کوی فلانی به من آر**  
**زار و بیمار غمم راحت جانی به من آر**

و نیز در غزل:

### **بنفشه دوش به گل گفت و خوش نشانی داد**

### **که تاب من به جـــــهان طره فلانی داد**

شعراى بزرگ هیچگاه یای مجهول را یای معروف قافیه نمی کرده اند. (علی اشرف صادقی، ۶۲: ۱۳۸۰)  
شاید قدیمیترین مرجعی که این واج را با علامت مجزا نشان داده است يك نسخه خطی تفسیر پاک مربوط به قرن چهارم باشد که برای یای مجهول نشانه (ی) را قرار داده است. البته در متون عربی قرون اول هجری یای مجهول کلمات فارسی یعنی ǰ گاهی با "أ" نوشته شده است. (علی اشرف صادقی، ۶۲: ۱۳۸۰). به طور کلی همانطور که گفته شد واکه مرکب āکه در پارسی باستان وجود داشته است در دوره های متاخر به علت آنکه نشانه خاصی نداشته به شکل "آ" نوشته شده و در دوره میانه مبدل به ē شده است. اما این تبدیل ها در صورت لکی و لری راه نیافته و شکل باستانی آن حفظ شده است. (خانلری، ۹۴: ۱۳۵۲)

## دغدغه های زبان پدری «فارسی» شدن طلایه ی «جهانی» شدن

ابراهیم خدائی  
ebraheem.khodae@gmail.com

چی کموتر وه قفس یه وطنم نئی  
ری وه ریم برفئی یشییس ره رهتتم نئی  
چی کموتر وه قفس نالم وه زاری  
بلکه نالهَم بمونه سی یادگاری<sup>۵</sup>

زبان مردم لر سالهاست که از سوی دو روند هولناک مورد تعدی است، تا جائیکه اگر به همین صورت پیش برویم می توان گفت لری در پرتگاه نیستی قرار دارد، این اتفاق افتادنی است کما اینکه پیش از این برای زبانهای دیگر رخ داده، در این میان فقط یک همّت راسخ فرهنگی می تواند روند پیش رو را تحت تاثیر قرار دهد.

از این دو روند هولناک اولی را می توان به راحتی و با اندکی مداقه تشخیص داد و دومی نیز از چشمان تیزبین چندان دور نیست، اولی روند پرشتاب «فارسی شدن» است و دومی مهلکه پر التهاب «جهانی شدن».

اغلب هموطنان -لر و غیر لر- آنگاه که پای درد دل ما دوستداران زبان مادری و میراث پدری می نشینند در برابر این دو نابودگر فرهنگ های بومی ایران دو موضع کاملاً متفاوت می گیرند! اغلب معتقدند که باید در برابر روند «جهانی شدن» مقاومت کنیم، اما کمترین ایشان به ما حق می دهند که این مقاومت در برابر «فارسی شدن» نیز باید صورت بگیرد، حتی احتمالاً از لحن بی رودربایستی این نوشتار هم بر خواهند آشفت!

این نوشتار اشاره کوتاهی به این یک بام و دو هوا دارد، و توصیه می کند در برابر فارسی شدن و جهانی شدن جامعه یک موضع واحد و یکسان منطقی تر به نظر می رسد، چراکه فارسی شدن در حقیقت مرحله انتقالی به جهانی شدن است.

دسته ای از علل و عوامل موجب شده اند امروزه خانواده های شهری و روستایی لر با فرزندان خود فارسی سخن بگویند، همان عوامل نیز با گذر زمان و تنگتر شدن حلقه جهانی شدن -با گسترش رسانه ها و تحقق دهکده جهانی- سبب خواهند شد که نسلهای آینده لر از فارسی نیز عبور کنند.

اگر امروز خانواده ها تاکید می کنند فرزندانشان «فارسی» بیاموزند تا بتوانند در دبستان و دانشگاه از «زبان علمی» و رسمی وطن کسب فیض کنند، جایگاه فارسی را در میان زبانهای دنیا می دانیم و کارایی جهانی آن را با زبان انگلیسی مقایسه می کنیم می توانیم حدس بزنیم همین خانواده ها اگر توانایی علمی و مالی آنرا بیابند بی شک فارسی را نیز به سودای گرداب انگلیسی و امثال آن می فروشند!

بحث مستندتر برای نمایاندن میزان اعتبار و کارآمدی فارسی در دهکده جهانی در حوصله این سخن نیست (به عنوان مثال میزان تولید مقالات علمی معتبر به زبان فارسی و مقایسه آن با زبانهای دیگر می توانست روشنگر باشد)، اما به عنوان نوعی دستاویز ساده و سند عامه پسند، بد نیست نگاهی به حضور زبان فارسی در اینترنت بیاندازیم، بنده مقداری واژگان عمومی و معمولی -بدون معیار خاص- انتخاب کرده ام و سپس آنها را در اینترنت -با استفاده از موتور جستجوی گوگل- شمرده ام، توصیه میکنم شما به این آمارها اکتفا نکنید و برای ایمان به نتایج این جدول حتما خودتان بالمشخصه همین کار را با نمونه های دیگر از واژگان هم انجام دهید، قطعاً به نتایج شگفت انگیزی دست خواهید یافت. اینک بنگریم به مقایسه پراکنش چند واژه فارسی در صفحات شبکه اینترنت و مقایسه آن با معادلهای انگلیسی:

<sup>5</sup> - سروده ی ابتدای مقاله از نگارنده است، برگردان فارسی:

همچو کیوتری در قفسم ، وطن من این نیست / بر سر راهم برف باریده، یاری رفتن ندارم / همچو کیوتری در قفس ناله و زاری می کنم / یاد که فغانم به یادگار بماند.

نسبت فا/ان	فراوانی	واژه انگلیسی	فراوانی	واژه فارسی
۱۱۴۵/۱	۷۳۹,۰۰۰,۰۰۰	White	۶۴۵,۰۰۰	سفید
۱۱۲۸/۱	۶۹۴,۰۰۰,۰۰۰	Street	۶۱۵,۰۰۰	خیابان
۳۶۶/۱	۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰	Snow	۶۷۶,۰۰۰	برف
۳۰۷/۱	۸۶۹,۰۰۰,۰۰۰	Book	۲,۸۳۰,۰۰۰	کتاب
۲۵۸/۱	۱,۰۸۰,۰۰۰,۰۰۰	Friend	۴,۱۸۰,۰۰۰	دوست

حالا به مقایسه دو واژه اساسی اشاره می‌کنم که در اصل مربوط به ما و زبان فارسی هستند نه دنیای انگلیسی زبان، دو واژه که حداقل لازم است در آن دو زمینه بتوانیم برتری زبان فارسی را به رخ بکشیم!

نسبت فا/ان	فراوانی	واژه انگلیسی	فراوانی	واژه فارسی
۳۰/۱	۱۰۳,۰۰۰,۰۰۰	Islam	۳,۳۹۰,۰۰۰	اسلام
۳۷/۱	۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰	Iran	۴,۷۸۰,۰۰۰	ایران

دقت داشته باشید که اینجا منظور مقایسه زبان فارسی و یک زبان دیگر نیست بلکه مقایسه اندازه های فارسی شدن و جهانی شدن است، چرا که زبان انگلیسی زبان دهکده جهانی خواهد بود مگر آنکه دیگران معجزه ای بکنند.

به هر حال خوب یا بد باید پذیرفت پس از تکمیل فرایند جاری فارسی شدن زبان ما نوبت به مرحله جهانی شدن خواهد رسید، جهانی شدن از همان گردنه ای شبیخون می‌زند که فارسی هم اکنون از همان راه مهمان ناخوانده خانه های ماست، اگر به وطن پرستی لران و ایرانیان در برابر جهانی شدن امیدواریم این وطن پرستی و حبّ نسبت به فرهنگ بومی و آبا و اجدادی چرا در برابر فارسی خود را نشان نمی‌دهد؟ آیا مقاومت نکردن در مقابل استحاله فرهنگ قومی لر در برابر فارسی طلایه تسلیم شدن به گرداب جهانی شدن نیست؟ گردابی که حتی نمی‌توانیم آنرا تعریف و پیش بینی بکنیم چه برسد به اینکه بتوانیم در آن فعالانه مشارکت کنیم.

حکایت کسانی که زبانهای مادری را صدقه سر وحدت ملی می‌دانند به آن مثل لری می‌ماند که می‌گوید «رغونه ریخته نذر شازاد اهدم»، چون انگیزه اغلب خانواده ها از آموختن فارسی عشق بدان نیست بلکه احساس ضعف در زبان مادری خویش و ناتوانی ایشان از طراحی زندگی آینده خویش و فرزندان با زبان و فرهنگ بومی شان است. خانواده ها در این فارسی شدن «برنامه» و هدفی ندارند بلکه به صورت کاملا انفعالی و آشفته به گرداب رهسپارند، آیا همینها برای «جهانی شدن» برنامه و هدف خواهند داشت؟

جهانی شدن دنیای غیر غربی را به حاشیه خواهد راند همان طور که فارسی شدن غیر فارسیهای ایران را به حاشیه رانده است و آنها را «مرز نشین» و دور از دسترس و در اهمیت درجه چندم قرار داده است! مناطقی مثل ایلام و لرستان و کردستان و.. که روزی روزگاری محل رفت و آمد بخش قابل توجهی از جهانیان بوده و در عرصه های بین المللی چیزی برای عرضه داشته است می‌رود تا به متروکه ای در مرزهای یک کشور جهان سومی همانند شود.

در حقیقت آنچه باید مورد بحث قرار گیرد زبان لری و فارسی و انگلیسی نیست بلکه سخن از سلسله عوامل درونی است که خانواده ها و جامعه را به ورطه خودبختگی با این سرعت سرسام آور و بی رحمانه کشانده است، تا جائیکه مادر کودکش را از سخن گفتن به زبانش منع می‌کند!

ورئ و اُ پُر چشئ سیئل

وری و اُ پر دلئ میئل

سیلئ ده پشته سر بکه

پلئ سی روزه تنگی بیئل ( و ا دنگ ائرج رحمان یور)

کر! وری!

گپمُ دی وری!

شو به کمینه (وا بنگ مرحوم مسهود بختیاری)

اما در مقابل این سلسله عوامل روان شناختی و جامعه شناختی اغلب فعالان عرصه لرنشناسی و لریاتی دل به فعالیت‌های پراکنده خویش بر لاشه یک بیمار در حال احتضار خوش کرده اند، این فرزنانگان و نیکوکاران که فرصت‌های بی بدیل فرهنگ ما به شمار می روند بی هیچ چشم داشتی در گوشه و کنار سرگرم گردآوری واژگان، اشعار، ضرب المثلهای، حکایتها و روایتها هستند. حقیق در اقصی نقاط مناطق لرنشین و.. قریب به پنجاه دوست و آشنا و استاد از نزدیک می شناسم که هر کدام سرگرم گردآوری واژگان و فراهم آوردن فرهنگهای لغت هستند، بسیار مایلیم لیست اسامی ایشان را اینجا می آوردم اما اغلب بنده را منع فرموده اند.

خوشا به حال واژگان لری که حفظ خواهند شد، اندر دفتر ثبت و ضبط خواهند نشست، به دست آیندگان خواهند رسید! و بدا به حال زبان لری که ره به اضمحلال می پوید! بدا به حال جمله های لری، متنهای لری، مثلهای لری، عاطفه های لری، جمله های پرسشی، جمله های تعجبی و.. که حداکثر به کالبد پوسیده ای در قالب فرمولهای زبان شناختی بدل خواهند گشت!

بدا به حال کودکان فردای ما که لابلای زبان خویش در پی رد دست مادر می گردند و نمی یابند! و مردم کوهپایه های پله (زاگرس) که همواره به یاد می سپارند زبانی که با آن سخن می گوئیم از آن ما نبوده است و از بد حادثه وام گرفته ایم! لباسی که بر تن داریم از آن ما نبوده است! نامی که پدر بر ما نهاده است از آن ما نبوده است، نام خانوادگی مان از آن ما نبوده است.. از بد حادثه وام گرفته ایم!

خوشا به حال شال و قوا و ستره و جقه و کت و گلبندی و چوغا که موزه نشین و تماشگاه امروزیان و آیندگان شده اند و بدا به حال دوشهایی که در حسرت گرمای رخت موروثی خویش فرسوده می شوند:

کت و گلوئیت بنیم وه نوم سرداری

گرت و خاک نگیرن ارا یادگاری (بیئت لپکی)

«کت» و «گلبندی» ات را درون «سرداری» می گذارم / تا گرد و خاک بر آنها منشیند و به رسم یادگار باقی بمانند

جقمَ مه تَه بکنین بنین می زینم

بهد خم کس نمم سی جانشینم (بیئت کهگلویی)

«جقه» ام را تا کنید و درون زین اسبم بگذارید / پس از خودم کسی برای جانشینی ام نمانده است

سره تنگ تا لوه تنگ تانک و زره پوش

به زیر شال و قوا خین ایزم جوش (بیئت بختیاری)

از این سوی گردنه تا سوی دیگرش را تانک و زره پوش دشمن در بر گرفته است / خون غیرت لر در زیر «شال و قوا» می جوشد

نه منمَ زه دو زنو نه مرد دو مردو

نه منم چوغا وه شو روه وه دیو (بیئت خرماویی)

نه از زنان بزرگ کسی باقیست و نه از مردان / دیگر چوغا پوشی نیست که به دیوان دادخواهی برود..

## حسن ختام به یاد مرحوم استاد بهمن علاءالدین

### بیا و ابا یک یه عهدی بوندیم

بیاو که وا با یک یه عهدی بوندیم	بوین حالا
حالا که من و تَه سَتینه یکیم	دس وه یک داڭن
نوا بنشینیم	جون سی یک داڭن
مه که ایوریسم	چندی آسونه
حالا که من و تو سَتینه یکیم	
دیه شوه تاریک سی دیدنه صب	بوین حالا
تیه وه ره منشین ایبرت خاو	وختی وایک بویم
	راندنه دشمن
	چندی آسونه
ته چی افتاو	دیه شوه تاریک سی دیدنه صب
خت وری بدراو	تیه وه ره منشین ایبرت خاو
چی چشمه وا بویی	
نه چی بوراو	
حالا ایتری	حالا ایتری
دی نگو نترم	دی نگو نترم
خت وری بدراو	خت وری بدراو
گیو!	گیو!
چی افتاو!	چی افتاو!